



نگاهی گذرا به فلسفه و الهیات فمینیسم

پژوهشگاه محمد لیکن هاوزن گنجی

با تشکر از همکاری دفتر تحقیقات و مطالعات زنان
مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

دکتر «محمد لیکن هاوزن»، فیلسوفی از آمریکا است که توسط یک دانشجوی بسیجی ایرانی مقیم آمریکا با اسلام آشنا شده و پس از شهادت این دانشجو در جبهه‌های نبرد، و آشنایی عمیق با مسلمانان و اعتقادات اسلامی و تأمل و بررسی‌های دقیق به اسلام گروید. پس از چند سال که برای شرکت در کنگره‌ای در ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به ایران سفر کرده بود، به ایران علاقه‌مند شد و به دعوت بعضی از مراکز علمی - پژوهشی، اقامت در ایران را برگزید و به تدریس در قم و تهران مشغول شد. هم‌اکنون مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی از افاضات ایشان در موضوعات فلسفه دین، کلام جدید، معرفت‌شناسی، فلسفه اخلاق و غیره بهره می‌برند. نکته قابل توجه در فعالیت‌های علمی ایشان، مقابله جدی و قوی با شبهات اعتقادی و نارسایی‌های فرهنگ غربی است. کار ایشان با فلسفه تطبیقی شروع شده و رساله دکترا ایشان درباره «مفهوم جوهر» است که به بحث‌هایی در زمینه فلسفه زبان و فلسفه منطق پرداخته است. ایشان تدریس خود را در دانشگاهی در تگزاس جنوبی آغاز کردند.

نگاهی به پیشینه پژوهشی در فلسفه و الهیات فمینیسم

۲- بعضی از فیلسوفان فمینیست، بیشتر از منظر روانشناسی به این مبحث نظر می‌کنند. آنهایی که به جامعه‌شناسی بیشتر توجه می‌کنند فکر آنها کم و بیش شبیه فرقه‌ای است که در آمریکا داعیه الهیات آزادی بخش داشته‌اند ولی کسانی که به روانشناسی توجه داشته‌اند بیشتر سمبل‌های مذکر و مؤنث و تفاوت‌های روانی انسان در بعد ذکوریت و مؤنثیت را مورد توجه قرار داده‌اند.

تفاوت نهضت فمینیسم و فلسفه آن

الهیات و فلسفه فمینیستی و در حقیقت جهان‌بینی فمینیستها، دیدگاهی است که از آن منظر به تماشای هستی می‌نشینند ولی نهضت فمینیست فقط یک جریان اجتماعی - فرهنگی - سیاسی در

- یکی از زنان آلمانی به نام «رویتز»، کتابی نوشته و با اینکه در آن قصد دفاع از دین مسیح را داشته ولی به این نتیجه رسیده که دین مسیحی قابل اصلاح نیست بلکه باید آن را رد کرد زیرا مفاهیم مربوط به ذکوریت در آن بسیار سلطه دارد.

جهت دفاع از حقوق زن و آزادی زن است. نهضت فمینیسم به شکل خاص خود، اولین بار توسط یک سوسیالیست در قرن ۱۹ به نام چارلز فوریر^(۳) پایه‌گذاری شده است و بعدها بواسطهٔ تکوین الهیات فمینیستی و تبیین فلسفه فمینیسم، این نهضت نهادینه شد.

باید دانست بعضی از فمینیستها دارای فلسفه‌ای از سنخ فلسفه‌های سیاسی می‌باشند. در سال ۱۹۶۱ جمعی از دانشجویان در آمریکا به تشکیل سازمان و نشر مجله‌ای در این راستا اقدام کردند و در نهضت فمینیستی خویش آن گونه که به امور سیاسی توجه داشتند به فلسفه و الهیات

اولین کنفرانسی که در زمینه الهیات فمینیست تشکیل شد، در سال ۱۹۷۰ در آمریکا بود.

فمینیسم دارای بحث گسترده‌ای است. اولین کتاب بسیار مهم دربارهٔ فلسفه و الهیات فمینیستی، کتابی با عنوان «فراتر از خدای پدر»^(۱) اثر «مری دلی»^(۲) است، نویسنده کاتولیک مذهب این کتاب از آن جهت که دین کاتولیک مسیحی را ابزاری برای ظلم به زن و سرشار از مفاهیمی که با عالم مردان متناسب است، می‌دید، از دین خود اعراض کرد. کتاب دیگر در این زمینه با عنوان «کتاب مقدس زنها»^(۳) می‌باشد که در قرن نوزدهم نگاشته شده است. بعدها در دهه ۱۹۸۰، نهضت الهیات فمینیسم رشد بیشتری پیدا کرد و چندین مجله در این زمینه چاپ شد که در سال ۱۹۸۸ تعداد مقالات و کتابهایی که به زبان آلمانی و انگلیسی و فرانسوی در آمریکا و اروپا به چاپ رسید، به بیش از ۱۸۰۰ عنوان رسید که حتی می‌توان گفت که هم اکنون (در سال ۱۹۹۹) دو برابر شده باشند.

اگر کسی تمام عمرش را برای مطالعه کتابها و مقالات و مجلات چاپ شده، در زمینه الهیات فمینیستی صرف کند، نمی‌تواند تمام آنچه را که در این رشته چاپ شده، مورد مطالعه قرار دهد.

تفاوت روشهای بحث در فلسفه و الهیات فمینیسم

درباره روش‌های بحث در الهیات فمینیستی باید گفت که دو روش بسیار مهم در این مباحث مطرح است:

۱- بعضی از فیلسوفان فلسفه فمینیستی به جامعه‌شناسی بیشتر از روانشناسی توجه دارند؛ یعنی در مباحث خود با روش بحث در علوم مربوط به جامعه‌شناسی پیش می‌روند و از منظر جامعه‌شناسان به تفسیر و تحلیل مسایل می‌نشینند.

ریشه در دو طرز فکر مبنایی در فلسفه فمینیست دارد. در جهان بینی، سخن اصلی فمینیست‌ها این است که تفاوت بین نقشها و حقوق زن و مرد باید از بین برود. از بین فلسفه‌هایی که توانسته است به فمینیست شکل نهاده ببخشد، می‌توان از بعضی از مکاتب فلسفی نام برد. فلسفه مارکس یکی از فلسفه‌هایی است که به صورت غیرمستقیم بر فلسفه فمینیسم اثر گذاشته است. به این صورت که فمینیست‌ها معتقدند که طبق نظر مارکس، با تحقق انقلاب کمونیستی، تفاوت طبقه‌های جامعه از بین می‌رود و همه برابر می‌شوند و در این برابری تفاوت‌های بین نقش زن و مرد هم از بین می‌رود. و چون خانواده نهادی است که سبب تمایز بین نقش زن و شوهر می‌شود، باید این نهاد ریشه‌کن شود. هر کودکی که متولد می‌شود، باید در دامن یک جامعه مشترک پرورانده شود و کسی حق ندارد که بگوید این بچه مال کیست.

عنايت نکردند. شعار آنها بیشتر در راستای تساوی حقوق زن و مرد برای کار برابر بود. مثلاً می‌گفتند: ما باید کاری کنیم که در همه دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و ... ۵۰٪ همه شاغلان زن باشند. یکی دیگر از تقسیماتی که می‌توان درباره فمینیسم به لحاظ فلسفه آن انجام داد، تقسیم آن به فمینیسم لیبرال و فمینیسم سوسیالیست است.

تفاوت فمینیست‌ها به لحاظ شدت و ملایمت در عقیده

فمینیست‌ها به لحاظ شدت و ملایمتی که در دفاع از حقوق زن بکار می‌برند، مختلف هستند. بعضی از فمینیست‌ها، آخرین ادعایشان این است که تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و یا اگر تفاوتی هست، صرفاً نوعی تفاوت‌های فیزیکی است که منشأ تفاوت‌های روحی و روان شناسی نمی‌شود

● فمینیست‌ها که فمینیست‌های تندرو هستند، می‌گویند: استعداد زن برای علم و تدریس و سایر کارها نسبت به مرد بیشتر است. ایشان مرد را انسان ناقص و زن را انسان کامل می‌دانند.

● مسیحیان فمینیست می‌گویند: ما نباید از خدا با کلمه "الله" یاد کنیم بلکه باید خدا را به عنوان الهه که تعبیری مؤنث است، بخوانیم.

و به خاطر این تفاوتها، نمی‌توان گفت زن کمتر از مرد است. گروه دوم، فمینیست‌ها که فمینیست‌های تندرو هستند، می‌گویند: استعداد زن برای علم و تدریس و سایر کارها نسبت به مرد بیشتر است. ایشان مرد را انسان ناقص و زن را انسان کامل می‌دانند. این دو نوع تفکر، در نهضت فمینیست،

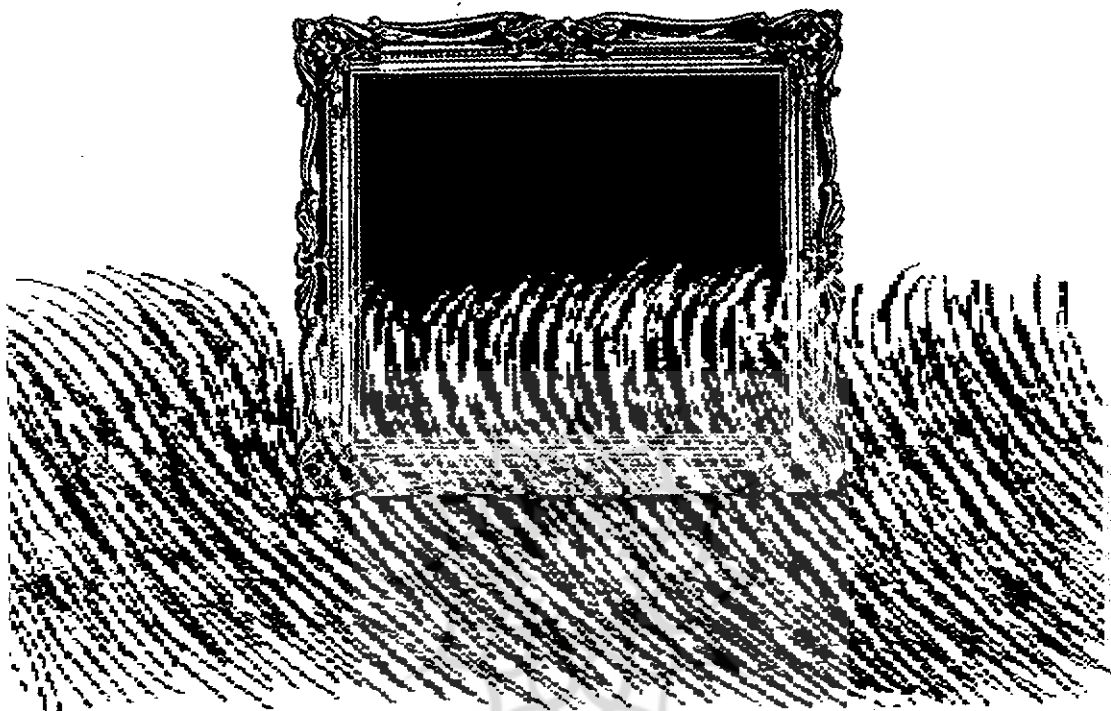


نمونه‌ای از اعتقاد دینی و فلسفی فمینیستها

در الهیات دین مسیحی، از منظری که فمینیست به آن می‌نگرد، باید تأویلات، توجیحات و تغییراتی وارد کرد. مثلاً مسیحیان فمینیست می‌گویند: ما نباید از خدا با کلمهٔ "الله" یاد کنیم بلکه باید خدا را به عنوان الهه که تعبیری مؤنث است، بخوانیم. آنان معتقدند که نباید فقط با ضمیر مذکر به خدا اشاره کرد بلکه باید تمام متون دینی را که مشتمل بر الفاظ مذکر متناسب به خداست، همراه با تعبیرات و ضمایر مؤنث مصرح، بیان نمود. همچنین فمینیستها معتقدند که نباید معاد را پذیرفت زیرا معاد از نظر ایشان مسأله‌ای برای ارضای حس جاودانگی خواهی روح است و این مطلب با دنیای مردان مناسبت دارد، زیرا زنان برای جاودانگی کافی است که مادر شوند و نسلی از خود برجای

یکی دیگر از فلسفه‌هایی که در رشد فلسفهٔ فمینیسم نفوذ بسیاری داشت، فلسفهٔ اگزستانسیالیسم در قرن بیستم بود. یکی از مهمترین کسانی که در فلسفهٔ فمینیسم، متأثر از اگزستانسیالیسم، کتاب نوشته است، «سیمون دوپوار» است. براساس این فلسفه، چون یک فلسفهٔ وجودی است، خصوصیات ما از ماهیت بوجود نمی‌آید، بلکه، این خصوصیات را از ارادهٔ خود بوجود می‌آوریم. از آنجا که زن یا مرد بودن، نوعی عرض برای ماهیت انسانی است، طبق این فلسفه نباید آنها را به حساب آورد و بیشتر باید به اصل وجود، مبدأ وجود، سیر وجود و نهایت سیر هستی رسید. این نوع فمینیستها نیز با نهاد خانواده ضدیت دارند. فمینیست‌های تندرو، دارای فلسفهٔ مارکسیسم کلاسیک می‌باشند و فمینیست‌های ملایمتر، معتقد به چنین فلسفه‌ای نیستند.





جهانبینی فمینیست‌ها نفوذ کرد، فمینیست‌ها ریشه مورد ظلم قرار گرفتن زن‌ها را در نوع ارتباطات اقتصادی می‌دیدند بنابراین معتقد شدند که در جامعه کمونیستی که همه به لحاظ اقتصادی برابرند، باید خانواده را نابود کرد. الهیون فمینیسم معتقدند که اصل پیغام حضرت عیسی این بوده که زن می‌تواند به آزادی برسد. برخی از آنها معتقدند که ما باید دین مسیح را در جهت آرا و نظرات فمینیست اصلاح نماییم نه اینکه آن را از اساس رد کنیم. یکی از زنان آلمانی به نام «رویترا»، کتابی نوشته و با اینکه در آن قصد دفاع از دین مسیح را داشته ولی به این نتیجه رسیده که دین مسیحی قابل اصلاح نیست بلکه باید آن را رد کرد زیرا مفاهیم مربوط به ذکوریت در آن بسیار سلطه دارد. یکی از نقایص دین مسیحیت، به گفته «رویترا» این است که قایل به خدایی پدر است. از وقتی که کلیسای کاتولیک در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰

گذارند، در این صورت دیگر نیازی به اعتقاد به مفهومی نظیر معاد ندارند. آنها معتقدند که باید کتاب مقدس را بر طبق ملاک تجربه زنان فهمیده، تفسیر کرد.

مطلب دیگری که از جانب فمینیست‌ها در مورد الهیات دین مسیحی مورد حمله قرار می‌گیرد، این است که در دین کاتولیک فقط مردان می‌توانند کشیش شوند، البته در شاخه پروتستان مسیحیت اندک اندک اندیشه جواز کشیش بودن زن رواج یافت و یکی از فرقه‌های پروتستانیک اجازه داد که زن کشیش شود؛ اگرچه بسیاری از کشیش‌های کلیساهای انگلیسی هنگام مواجهه با مسأله کشیش شدن زن، سران خود را تهدید کردند که اگر این مطلب در کلیساهای دیگر نیز رواج پیدا کند، آنها به شاخه کاتولیک می‌پیوندند. در دهه ۷۰، مسأله کشیش شدن زنان از مهمترین مباحث الهیات فمینیستی قرار گرفت. از زمانی که مارکسیسم در

مختلف است، بعضی از فمینیست‌ها به امور معنوی خیلی توجه دارند، بعضی از آنها به ادیان مختلف بخصوص ادیان مردم بومی مثل سرخ‌پوست‌ها و ادیان اروپایی که در بین جادوگرها رایج است، معتقدند. اعتقاد اصلی بسیاری از فمینیست‌ها نیز اصول دین مسیحی است، اگرچه اصلاحیه‌هایی را برای این دین در جهت نظریه‌های خود لازم می‌دانند.

- 1) Beyond God The father
- 2) Mery Daly
- 3) The women's Bible
- 4) Charles Fourrier



اعلام کرد که در تعلیمات رسمی کلیسا، حضرت مریم به عنوان مادر خدا تلقی می‌شود، این نویسنده اظهار نظر کرد که دین کاتولیک خیلی پیشرفت کرده است. فمینیست‌هایی که بر جنبه‌های روان‌شناسی تأکید می‌کنند معتقدند که هر انسانی دارای دو بعد مذکر و مؤنث می‌باشد، انسان وقتی به کمال می‌رسد که این دو بعد در او کامل شود. در الهیات با توجه به این معنا آنان معتقدند که نباید به نمادهایی که فقط مذکر هستند، توجه کرد بلکه نمادهای مذکر و مؤنث باید کاملاً برابر باشند. بنابراین می‌گویند حتی باید تعداد زنانی که در مدیریت کلیسا نقش دارند، با مردان مساوی باشند. - اصولاً فلسفه، الهیات و جهان بینی فمینیسم بر این مبنا استوار است که به لحاظ بعد معرفت شناختی، خصوصیات زنان را در درک مسایل، دخیل بدانند و نتایج حاصل از آن را در برابری جنس زن و مرد یا برتری زن بر مرد بکار گیرد. نمونه‌ای از تفاوت ادراک به لحاظ ذکوریت و انوئیت را می‌توان در معرفت و شناخت زمان نام برد. مردها می‌پندارند که زمان، همچون خطی ممتد است ولی زنان درباره زمان به عنوان دایره و چرخه‌ای در حال دوران، می‌پندارند. بنابراین هر دینی بخصوص ادیان قدیم را که به چرخ تشبیه می‌نمایند، با معرفت‌شناسی زنان مناسب‌تر می‌دانند.

طبق جهان بینی فمینیست‌ها، هر عقیده‌ای که سبب تفاوت نقش سنتی زن و مرد در جامعه گردد، باید رد شود. آنها به ویژه با مسایلی که به تفاوت نقش رهبری و مدیریت زن برمی‌گردد، مبارزه می‌کنند و حتی معتقدند اگر عقیده به امری سبب وابستگی زن به مرد شود باید آن اعتقاد را مردود دانست، مثلاً اگر اعتقاد به خبیث دانستن ارتباط شهوانی زن با زن سبب شود که زن به جنس مرد وابسته گردد، باید این اعتقاد را نادرست دانست، زیرا زنان با عقیده به صحت هم جنس بازی می‌توانند برای ارتباط جنسی به مردان وابسته نباشند. البته الهیات فمینیستی در بین فمینیست‌ها